



زری آقاجانی

مربی فلسفه، کلاس فلسفه

اشاره

در نخستین بخش از سلسله مطالب فلسفه برای کودکان، درباره‌ی آشنایی با آموزش و تاریخچه‌ی فلسفه برای کودکان سخن گفتیم. اکنون در این شماره به ارائه‌ی برخی ویژگی‌های مربی و کلاس فلسفه و لزوم آموزش این مقوله به کودکان و نیز درج توصیه‌هایی در این زمینه می‌پردازیم. مطالعه‌ی این سلسله مطالب، به‌ویژه برای آموزگاران پایه‌ی ششم که از امسال درس جدید تفکر و پژوهش را تدریس می‌کنند، مناسب خواهد بود.

از یک کارشناس تربیتی معروف پرسیدند: «معلم فلسفه چه گونه باید افکارش را به رشته‌ی تحریر درآورد؟» پاسخ داد: «به زبان مردم»

سه عنصر مهم

در آموزش فلسفه برای کودکان سه عنصر مهم وجود دارد که عبارت‌اند از: مربی، داستان‌های فلسفی و کتاب راهنمای مربی. در این زمینه توجه به نکات زیر بسیار مهم است.

- از مهم‌ترین ویژگی‌های مربیان آموزش فلسفه برای کودکان، صبوریت و مهربانی با کودکان است:

- مربیان باید از تجارب فلسفی (مهارت فلسفیدن)، تفکر و دانش ادبیات کودک برخوردار باشند.^۱

- مربیان باید بدانند که این آموزش دیر بازده است و دست کم یک سال وقت می‌خواهد تا به نقطه‌ای

برسد که هدف آموزش فلسفه برای کودکان به دنبال آن است.

- به دلیل این که آموزش فلسفه به کودکان موضوع نسبتاً جدیدی

است، بهتر است ابتدا طی جلساتی برای پیشبرد مناسب طرح به والدین اطلاع‌رسانی گردد، تا آموزش در خانه نیز دنبال شود.

- بهتر است قبل از کلاس، مربیان داستانی را که قرار است کار کنند، چند بار بخوانند تا ضمن آشنایی با زوایای آن مطمئن شوند که داستان مناسب کودک و کلاس فلسفه است.

- مربی باید همیشه بداند که در مقام مربی، نقش هدایت‌کننده دارد و این کودکان هستند که نقش اصلی را ایفا می‌کنند (در کلاس فلسفه یک نفر محور نیست، بلکه همه محوریت دارند!).

- در حین بحث ممکن است انواع پاسخ‌ها داده شود، پاسخ‌هایی که حسابگر است یا آن‌هایی که ناشیانه است. مربی باید صبور باشد و به کودکان نشان دهد که به افکار و احساسات آن‌ها احترام قائل است. هم‌چنین کودکان دیگر را ترغیب کند تا به عقاید و نظرات دوستانشان احترام بگذارند، اما هر جا که لازم بود، می‌توانند محترمانه نظرات را رد کنند.

- لازم است گاهی خود مربی هم چیزی بگوید و بگذارد کودکان بفهمند که ممکن است او هم پاسخ تمام سؤال‌ها را نداند.

- به عنوان مربی باید طوری رفتار کنیم که دانش‌آموزان با راحتی و احساس امنیت پاسخ‌هایشان را ارائه دهند، زیرا پاسخ‌های غیرحقیقی ارزشی ندارد.

- دقت کنیم که بحث‌ها از موضوع اصلی خارج نشود.



- در ارائه‌ی نظرات دقت کنیم تا کودکان بی‌دلیل روی عقایدی که نادرستی آن‌ها کاملاً مشهود است، پافشاری نکنند و سعی کنیم با احترام و ارائه‌ی دلیل آن‌ها را متقاعد کنیم تا دچار سردرگمی و کج‌فهمی نشوند.

- نکته‌ی مهمی که باید در حین بحث‌ها رعایت شود، عدم استهزاء و تحقیر کودکان توسط خود مربی و هم‌کلاسی‌هاست. باید مراقب این رفتارها باشیم.

- سعی کنیم همه‌ی کودکان در بحث شرکت کنند، حتی به اندازه‌ی یک جمله یا حتی یک کلمه‌ی کلیدی.

- اگر پاسخ کودکان مبهم بود، از آنان بخواهیم مثالی بزنند تا منظورشان واضح شود. - وقتی که کودکان با عقیده‌ای مخالفت می‌کنند از آنان دلیل بخواهیم تا بدانند که برای رد هر چیزی باید دلیل مناسبی بیاورند.

- آرایش کلاس و نحوه‌ی نشستن کودکان خیلی مهم است زیرا قرار است آنان در بحث‌هایی نشاط‌انگیز و نه رقابت‌انگیز با یکدیگر شرکت کنند، پس باید صورت‌های یکدیگر را به وضوح ببینند، بنابراین ضروری است کلاس را به شکل دایره و با نیم‌دایره بچینیم.

- بهتر است کلاس فلسفه با یک داستان جذاب آغاز شود و توجه کودکان را به خود جلب کند (شاید بتوان با موضوعات درسی هم کندوکاو به وجود آورد، اما آن جذابیت داستان را نخواهد داشت!).

- چنان‌چه کودکان باسواد هستند، بهتر است هر قسمت داستان توسط کودکان و با رضایت خودشان خوانده شود و اگر کودکان هنوز خواندن نمی‌دانند، بهتر است مربی برای آنان داستان خوانی کند (شاید استفاده از کارت‌های قصه‌گویی که تصویر آن واضح است برای این کودکان جذاب‌تر باشد، تا در حین خواندن داستان، آن‌ها را ببینند و با آن ارتباط برقرار کنند).

- پس از خواندن داستان از کودکان بخواهیم که چند دقیقه سکوت کرده و به آن‌چه خوانده‌اند، فکر کنند.

- داشتن دفترچه‌ای برای ثبت مطالب و سؤالات طرح شده، خالی از لطف نیست، زیرا

پس از چند جلسه کودکان متوجه پیشرفت خود در طرح سؤالات کامل‌تر و عمیق‌تر می‌شوند و البته بهتر است این کار را برای کودکان اجبار نکنیم.

- می‌توانیم از مباحث مطرح شده برای محفوظ ماندن مسائل برای جلسات بعد و یا کودکان تازه‌وارد یک شبکه مفهومی با یک نقشه‌گرافیکی تهیه کنیم.

- پس از خواندن داستان، طرح سؤال از کودکان را شروع می‌کنیم. ممکن است در جلسات اول به دلیل زمینه‌ی ذهنی که در مدارس درباره‌ی متکلم‌وحده بودن معلم وجود دارد، ابتدا کودکان سؤالی نپرسند (زیرا آموزش‌های ما بیشتر معلم‌محور است) اما به تدریج و با هدایت مربی سؤال‌ها آغاز می‌شود. به همین دلیل سعی کنیم کودکان را بیشتر درگیر بحث و طرح سؤال کنیم.

- اگر کودکان احساس کنند که این کلاس، بسیار راحت و بدون هرگونه مشکلات انضباطی است و می‌توانند بدون مسخره یا تنبیه شدن سؤال‌هایشان را بپرسند، باید یقین داشت که به موفقیت نزدیک شده‌ایم.

- اگر کودکان در طرح سؤال مشکل داشتند، از آن‌ها بپرسیم کدام قسمت داستان برایشان جالب بوده است و چرا؟ سعی کنیم آن‌ها را تشویق کنیم که درباره‌ی آن بحث کنند و بیان نظراتشان را ادامه دهند.

- سؤال‌های کودکان را روی تخته‌سیاه و یا روی ورقه‌هایی با ذکر نام و نشان یادداشت کنیم. این کار کمک می‌کند که کودکان بدانند، می‌توانند صاحب افکاری منحصر به فرد باشند و به اعتماد به نفس آنان برای طرح سؤال‌های بعدی کمک خواهد کرد.

برای کودکانی که در طرح سؤال مشکل دارند، تا جایی که امکان دارد از کودکان دیگر کمک بگیریم تا به این ترتیب باب همکاری و مشارکت را میان آنان باز کنیم و این‌گونه دانش‌آموزان متوجه شوند که می‌توانند از همدیگر یاد بگیرند و معلم تنها آموزنده‌ی کلاس نیست. - اگر هنوز در جلسات اول دانش‌آموزان خیلی فعال نیستند، می‌توانیم خودمان با طرح

سؤال از کودکان، آنان را به سؤال‌سازی تشویق کنیم

- پس از طرح و جمع‌آوری سؤالات حالا نوبت آن است که بحث را آغاز کنیم. ابتدا سؤال‌های تکراری را حذف می‌کنیم، البته با رأی و رضایت کودکانی که آن‌ها را طرح کرده‌اند.

- گفت‌وگو را از سؤال‌های طرح شده‌ی کودکان شروع می‌کنیم. به این ترتیب ذهن کودکان را به چالش درمی‌آوریم تا به پاسخ سؤال‌ها برسند.

- وقتی که کودکان با عقیده‌ای مخالفت می‌کنند از آنان دلیل بخواهیم تا بدانند که برای رد هر چیزی باید دلیل مناسبی بیان کنند.

- در کلاس بحث‌ها را جمع‌بندی کنیم. در کلاس فلسفه، تنبیل و زورنگ معنی ندارد. در جلسات اول کودکانی که بیشتر در بحث شرکت کرده‌اند حتی، اگر پاسخ‌هایشان درست هم نبوده است، به دلیل تلاش در اندیشه‌ورزی تشویق کنیم

- در پایان کلاس از نظرات کودکان درباره‌ی بحث‌ها مطلع شویم و از آنان بپرسیم که آیا این کلاس برایشان جالب بوده است و آیا دوست دارند در جلسات بعدی دوباره‌ی این بحث‌ها را به نوعی دیگر دنبال کنند؟

- هرگز فراموش نکنیم که هر کودک استعداد و خصوصیات خاص خودش را دارد، بنابراین هیچ‌وقت آن‌ها را با هم مقایسه نکنیم!

- بگذاریم کودکان خود به پاسخ درست برسند، زیرا آن‌ها در نهایت به جواب مناسب خواهند رسید.

- همیشه به علاقه‌ی بچه‌ها توجه کنیم، زیرا بهانه‌ی خوبی برای شروعی دیگر خواهد بود! لازم به یادآوری است که آموزگاران و مربیان باید بدانند که هدف از این کلاس‌ها ایجاد شرایطی برای بیان فکرها و بحث‌های فلسفی است، نه بر برقراری بحث‌های علمی و درسی که کلاس را به مجموعه‌ای از سؤالاتی تبدیل کند، که در نهایت معلم پاسخ آخر را می‌دهد!

منبع
۱. فرامرز قراملکی، احمد. دومین شماره از ویژه‌نامه‌ی فلسفه و کودک. صفحه‌ی ۱۴ تا ۲۳.